

ناگفته‌های سیاست بین‌الملل

نویسندگان:

ساموئل هانتینگتون، کنت والتز، جان میرشایمر،

رابرت جرویس و دیگران

ترجمه

عسگر قهرمانپور

دفتر علم

۱۳۹۰

قهرمانپور، عسگر، ۱۳۵۲، گردآورنده، مترجم

ناگفته‌های سیاست بین‌الملل / نویسندگان: ساموئل هانتینگتون ... [و دیگران]:

مترجم، [گردآورنده]: عسگر قهرمانپور.

تهران: دفتر علم، ۱۳۹۰

۳۴۶ص.

ISBN: 978-600-92086-3-0

۸۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

نویسندگان: ساموئل هانتینگتون، کنت والتز، جان میر شایمر، رابرت جرویس و دیگران.

۱. روابط بین‌المللی ۲. روابط بین‌المللی - فلسفه ۳. روابط بین‌المللی - مسائل متفرقه

۴. امنیت بین‌المللی ۵. سیاست جهانی - قرن ۲۱ م. ۶. قدرت (علوم اجتماعی)

الهر هانتینگتون، ساموئل پی. ۱۹۲۷-۲۰۰۸ م. ب. Huntington, Samuel P.

۳۲۷/۱۰۱

۱۳۹۰ ۹۴ق/۵/۱۳

۲۴۶۰۱۷۶

کتابخانه ملی ایران

دفتر
دفتر
علم

ناگفته‌های سیاست بین‌الملل

نویسندگان: ساموئل هانتینگتون و دیگران

مترجم و گردآورنده: عسگر قهرمانپور

ناشر: دفتر علم

نوبت چاپ: نخست (آذرماه ۱۳۹۰)

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

طراح جلد: حسین وحدانی

پشت جلد: ۸۰،۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۰۸۶-۳-۰

نمایندگی توزیع: تهران - خیابان حافظ، بالاتر از چهارراه کالج،

روبروی دبیرستان البرز، شماره ۴۰۹ پخش کتاب پکتا

تلفن مرکز پخش: ۸۸۹۴۰۳۰۳

فهرست مطالب

فصل یکم: روابط نظامیان و غیرنظامیان در نظریه: ... / ساموئل هانتینگتون.....	۷
فصل دوم: ذهن نظامی: واقع گرایی محافظه کارانه در... / ساموئل هانتینگتون.....	۳۱
فصل سوم: اسطوره های هسته ای و واقعیت های سیاسی / کنت والتز.....	۴۹
فصل چهارم: دروغ در سیاست بین الملل / جان میرشایمر.....	۶۹
فصل پنجم: قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست خارجی / جوزف نای.....	۸۹
فصل ششم: دین و قدرت نرم ترکیه در... / ایشثار گوز آیدین.....	۱۲۷
فصل هفتم: بازسازی جهان تک قطبی / رابرت جرویس.....	۱۴۹
فصل هشتم: توهم تک قطبی آمریکا / کریستوفر لیون.....	۱۷۱
فصل نهم: ظهور هژمون جدید در سیاست بین الملل / روزمری فوت.....	۲۲۹
فصل دهم: جهانی شدن و چرخش پست مدرن / دافلاس کلتر.....	۲۶۷
فصل یازدهم: اشکال نوین بازتولید امپریالیسم در قرن ۲۱ / سمیرا امین.....	۲۸۹
فصل دوازدهم: بازسازی مفهوم امنیت / ریچارد واین جونز.....	۳۰۱
فصل سیزدهم: بمب ها، چماق ها و شیرینی ها / جورج لویز.....	۳۲۷

فصل اول

روابط نظامیان و غیرنظامیان در نظریه: قدرت، حرفه‌گری و ایدئولوژی^۱

ساموئل هانتینگتون

انواع کنترل غیرنظامیان

به طور کلی، نقش نظامیان در جامعه عمدتاً در چارچوب مفهوم «کنترل غیرنظامیان» مورد بحث قرار گرفته است. اما آن گونه که بایستی این مفهوم به طور رضایت‌بخش و قانع‌کننده تعریف می‌شود، هرگز نشده است. احتمالاً، کنترل غیرنظامیان به نوعی با قدرت نسبی گروه‌های نظامی و غیرنظامی ارتباط دارد. شاید هم کنترل غیرنظامیان تا آن حد حاصل شود که قدرت گروه‌های نظامی کاهش یابد. در نتیجه، مسئله اساسی در تعریف کنترل غیرنظامیان این است چگونه قدرت نظامیان می‌تواند به حداقل یا کمینه برسد؟ در کل، دو پاسخ روشن برای این پرسش وجود دارد:

۱- فصل اول و دوم مجموعه حاضر ترجمه ای است از فصول سوم و چهارم اثر زیر:

Samuel p. Huntington, "the Soldier and State", Vintage books, New York 1957

کنترل عینی غیرنظامیان: بیشینه کردن قدرت غیرنظامیان. به نظر می‌رسد ساده‌ترین روش به حداقل رساندن قدرت نظامی، بیشینه کردن قدرت گروه‌های غیرنظامی نسبت به نظامیان است. با این حال، هر چه گروه‌های غیرنظامی بیشتر باشند، خصیصه‌های آنها متفاوت و منافعی متعارض باشد، بیشینه کردن قدرت آنها در قیاس با نظامیان ناممکن است. در نتیجه، بیشینه کردن قدرت غیرنظامیان همواره موجب بیشینه کردن قدرت گروه یا گروه‌های غیرنظامی خاص می‌شود. در واقع، این همان کنترل عینی غیرنظامیان است. اغلب اوقات، مفهوم و برداشت کلی از کنترل غیرنظامیان با منافع خاص یک یا گروه‌های بیشتر غیرنظامی یکسان تلقی می‌شود. در نتیجه، کنترل عینی غیرنظامیان متضمن روابط قدرت میان گروه‌های غیرنظامی است. چه بسا یک گروه غیرنظامی از کنترل عینی غیرنظامیان به عنوان ابزاری برای تقویت قدرت‌اش به بهای قربانی کردن دیگر گروه‌های غیرنظامی استفاده کند. در آن صورت تبدیل به شعار ابزاری مثل «حقوق دولت‌ها» می‌شود که البته صرفاً خودش هدف باشد. بسان حقوق دولت‌ها، کنترل غیرنظامیان نیز ممکن است اشتباهات زیادی داشته باشد. از این رو، همواره ضروری است از خود پرسیم قرار است کدام غیرنظامیان کنترل بشوند؟ در جامعه غربی امروز، کنترل غیرنظامیان فقط در معنای عینی وجود دارد. در واقع، کنترل عینی غیرنظامیان، تنها شکل کنترل غیرنظامی ممکن در نبود رسته افسران حرفه‌ای است. کنترل عینی غیرنظامیان در تجلی‌های تاریخی متعددش با بیشینه کردن قدرت نهادهای حکومتی خاص، طبقات اجتماعی خاص و اشکال قانونی خاص یکسان تلقی شده است.

کنترل غیرنظامیان توسط نهاد حکومتی. به طور کلی در سده‌های هفدهم و هجدهم در انگلستان و آمریکا، نیروهای نظامی در کنترل پادشاه بودند و شعار «کنترل غیرنظامی» را گروه‌های پارلمانی به عنوان ابزار افزایش قدرتشان در برابر

پادشاه به کار می‌بردند. با این حال، چون جایگاه پادشاه نیز بنیان غیرنظامیان بود، آنچه آنها حقیقتاً می‌خواستند، پیشینه کردن کنترل پارلمانی بر نیروهای مسلح بود نه کنترل غیرنظامی و کنترل پارلمانی به عنوان ابزار کاهش قدرت نظامیان که به عنوان روش مهار قدرت پادشاه در نظر گرفته می‌شد. اما در روزگار امروزی در ایالات متحده، کنگره و رئیس‌جمهور درگیر یک نزاع برابر هستند. رئیس قوه مجریه، کنترل غیرنظامی را با کنترل ریاست‌جمهور یکسان می‌پندارد. یعنی کنگره برای کنترل نیروهای نظامی به نحو ضعیفی سازماندهی شده است. از سوی دیگر، کنگره، کنترل غیرنظامی را با کنترل کنگره‌ای یکسان می‌پندارد. به عبارتی، کنگره به مردم نزدیکتر از رئیس‌جمهور است، که رئیس جمهوری زندانی مشاوران نظامی‌اش است. اما هر دو یعنی کنگره و رئیس‌جمهور در اساس دل‌مشغولی توزیع قدرت میان قوه مجریه و مقننه را دارند نه ارتش و غیرنظامیان.

کنترل غیرنظامیان توسط طبقه اجتماعی. در سده‌های هجدهم و نوزدهم، اشرافیت و بورژوازی بر سر کنترل نیروهای نظامی نزاع داشتند. هر طبقه تلاش می‌کرد کنترل غیرنظامی را با منافع خاص خود تعریف و یکسان تلقی کند. با این حال، از آنجا که به طور کلی اشرافیت بر نیروهای نظامی سلطه داشت، گروه‌های لیبرال بورژوازی بیشترین استفاده را از شعار می‌کردند و کنترل اشرافیت را با کنترل نظامی یکسان تلقی می‌کردند. نهادهای نظامی میدان نبردی برای کشمکش بین دو طبقه‌ای بود که بر همه حوزه‌های جامعه نفوذ داشتند؛ موضوع صرفاً این بود که آیا منافع لیبرال یا اشرافیت بر نیروهای مسلح حاکم بود یا نه؟

کنترل غیرنظامیان از طریق شکل قانونی.

کاربست وسیع‌تر چنین هم‌زادپنداری و یکسان تلقی کردن کنترل غیرنظامی با یک منفعت غیرنظامی زمانی روی می‌دهد که ادعا می‌شود فقط یک شکل خاص قانونی - معمولاً دموکراسی - می‌تواند کنترل غیرنظامیان را تضمین کند. کنترل غیرنظامی با حکومت دموکراتیک، کنترل نظامی با حکومت توتالیتر یا مطلق یکسان تلقی می‌شوند. استدلال این است که در کشورهای دموکراتیک، اقتناع و سازش تعیین‌کننده سیاست است؛ اما در کشورهای مطلق یا توتالیتر، زور و اجبار تعیین‌کننده سیاست است (یا حداقل تهدید ضمنی زور یا اجبار). از این‌رو، ارتش که قدرتمندترین ابزار خشونت است، در کشورهای توتالیتر، قدرتمندتر از کشورهای دموکراتیک خواهد بود. با این حال، چنین استدلالی ضرورتاً درست نیست. در یک کشور دموکراتیک، ارتش ممکن است کنترل غیرنظامیان را تضعیف کند و از طریق فرآیندهای مشروع و نهادهای سیاست و حکومت دموکراتیک، قدرت سیاسی به دست آورد (برای مثال، ایالات متحده در جنگ جهانی دوم). از سوی دیگر، در یک رژیم توتالیتر، قدرت ارتش ممکن است با تقسیم رسته‌های افسری به واحدهای رقیب، تشکیل ارتش‌های حزبی و نیروهای نظامی ویژه، نفوذ در سلسله مراتبی ارتش با زنجیره‌های مستقل فرماندهی و فنون مشابه، تقلیل یابد. وحشت، توطئه، مراقبت و زور از شیوه‌های حکومت توتالیتر هستند. وحشت، توطئه و مراقبت، زور ابزارهایی هستند که توسط آنها غیرنظامیان در چنین حکومتی نیروهای مسلح‌شان را کنترل می‌کنند. اگر این ابزارها سنگدلانه به کار گرفته شوند ممکن است عملاً قدرت سیاسی نظامی را از بین ببرند (برای مثال، آلمان در جنگ جهانی دوم). بنابراین، کنترل عینی غیرنظامیان منحصر به هرگونه نظام قانونی خاص نیست.

ظهور حرفه نظامی، مسئله روابط نظامیان و غیرنظامیان را متحول و تلاش‌های گروه‌های غیرنظامی برای بیشینه کردن قدرت‌شان نسبت به نظامیان را پیچیده‌تر